

یک تکه است و مدل دیگر قطعات چندین تکه که مثل پازل چیده و با گل میخ‌های مخصوصی روی چوب پرچ می‌شود. سر آخر هم برای محکم شدن کار، یک حاشیه جداگانه از حلب، زاویه‌های صندوق را به هم متصل می‌کند. آخرین مرحله، پرچ کردن دو گیره دسته دو طرف صندوق و تسمه‌های آهنی و قفل صدادار معروف به «زاموک» است.

ساخت یک صندوق به طول یک متر، دست‌کم ۱۰ روز وقت می‌برد. اگر صندوق تورنده باشد، دست‌کم ۴ میلیون و نیم هزینه دارد. صندوق‌های روسی بسته به کیفیت حلب تا ۱۰ میلیون تومان هم هزینه می‌خواهد. الان هم که وسایل گران شده تک و توک سفارش می‌دهند. از وقتی همسر فوت کرد، دیگر دست و دلم به کار نمی‌رود. هر چی صندوق از قبل داشتیم، فروختم. مگر کسی سفارش ساخت بدهد و یا برای تعمیر بیاورند».

از چهار پسر استاد رضاظهریما، همگی حرفه پدر را آموخته‌اند ولی هیچ کدام به این حرفه اشتغال ندارند زیرا این هنر درآمدی ندارد.

استاد رضا می‌گوید چند باری از اداره میراث فرهنگی آمده‌اند و از من خواسته‌اند این حرفه را به جوان ترها یاد بدهم. «مسئولان به جای وعده، حداقل شرایطی فراهم کنند تا من به چند جوان این حرفه را یاد بدهم تا این هنر بماند. هستند جوانانی که دوست دارند صندوق‌سازی را یاد بگیرند و بارها مراجعه کرده‌اند ولی من هر کس را به کار بگیرم، باید حقوق و بیمه‌اش را بپردازم. صندوق‌سازی این روزها درآمدی ندارد».

صندوق بولاکی، صندوق هشت‌رخانی و یا صندوق اروسی، از هر جا که آمده باشد، حالا دیگر معلوم نیست به کجا می‌رود. استاد رضا انگار آخرین صندوق‌سازی است که حرفه صندوق‌سازی را به همان سبک هشت‌رخانی می‌سازد.

دست‌های ورزیده‌اش نشانی از سال‌ها کار هنرمندانه دارد. پرسش من را درباره سنش این گونه توضیح می‌دهد: «من متولد ۱۳۱۷ هستم ولی تاریخ تولد من در شناسنامه ۱۳۱۸ است. ۶ سال داشتم که من را برای یادگیری فرستادند نزد استادکاری که از قفقاز آمده بود. دو تا برادر به نام‌های احمدعلی و محمدعلی از بادکوبه به رشت آمده بودند. استاد صندوق‌سازی بودند. به آن‌ها کورد احمد می‌گفتیم. سابق ۱۷ شهر قفقاز مال ایران بود که از ایران جدا شد.

تاجرهای ما می‌رفتند روسیه، تاجیکستان، بادکوبه و قزاقستان از این صندوق‌ها می‌خریدند و به ایران می‌آوردند. هر یکی ۱۰ تا ۲۰ تا، تا ۵۰ تا. تا پیش از اینکه شیوه ساخت صندوق به ایران بیاید ما فقط تعمیرکار صندوق داشتیم. سازنده نبود. الان هم نیست. صندوق‌سازی هم اگر باشد به اصالت و کیفیت گذشته نمی‌سازد. از اصفهان که خدای صنایع دستی است، یک نفر پیش من آمد، صندوق‌سازی یاد بگیرد، یاد ندادم. من بمیرم صندوق‌سازی هم از بین می‌رود».

استاد رضا در یکی از این صندوق‌ها را باز کرده و تفاوت صندوق‌ها را توضیح می‌دهد: «یک مدل صندوق داریم که بدنه داخلی آن از چوب است و حلب ندارد، به آن می‌گوییم صندوق «تورنده». یک مدل دیگر هم که از داخل حلب می‌خورد، به آن «صندوق روسی» می‌گویند. نقش و نگارهای روی حلب‌ها را هم خودم کار می‌کنم. اول الگوی آن را که بیشتر ذهنی است، روی کاغذ با مداد می‌کشم بعد کاغذ الگو را روی ورق حلبی پیاده می‌کنم و با رنگ‌های مخصوص، نقش‌ها به صورت نقطه نقطه روی حلب پیاده می‌شود».



او درباره نحوه چینش قطع‌های بریده شده حلب روی صندوق توضیح می‌دهد: «دو مدل قطعه روی صندوق پرچ می‌شود؛ یک مدل که حلب

**صندوق بولاکی،
صندوق هشت‌رخانی و
یا صندوق اروسی از
هر جا که آمده باشد،
حالا دیگر معلوم
نیست به کجا می‌رود.
استاد رضا انگار آخرین
صندوق‌سازی است
که حرفه صندوق‌سازی
را به همان سبک
هشت‌رخانی می‌سازد**



کسب و کار رضا صندوق‌ساز، پیش از این‌ها رونق بهتری داشته است



صندوق‌های بولاکی، جزء ثابت زندگی‌های قدیم بوده است



مگر سفارشی برسد تا استادکار قدیمی، دوباره دست به کار ساخت صندوق بشود

